



Revolution Studies

Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

Analyzing the Reasons for the Failure of the American Intelligence Agency in Predicting the Islamic Revolution of Iran

Mahdi Heidary¹

Doi :10.22034/fademo.2024.486278.1061

Mohammad Modaberi²

Abstract

The Iran's Islamic revolution in 1357 faced a fundamental challenge to the foundations of many social and political science theories regarding the causes of revolutions; Because few people predicted the occurrence of a revolution with the coordinates of the Islamic Revolution. Various studies have been done regarding the reason of the Iranian revolution and its effect on the theories of the revolution. But in these studies, the role of information devices has not been addressed. However, this failure is, first of all, an information failure. Based on this argument, the question of the article has been raised as follows: Why did the Central Intelligence Agency of America (CIA) fail to predict the Islamic Revolution of Iran in 1357? To answer this question, while reviewing the literature of the emerging field of information studies, the model of the information cycle was used and the aforementioned failure was analyzed in each of the processes of the information cycle. The research data has been collected through documentary studies and analyzed using the meta-composite method. The findings of the research indicate that the CIA organization had a fundamental challenge in the processes of guidance, collection, and analysis in connection with the Islamic Revolution of Iran, and therefore faced problems in the publication stage as well. At the same time, the central sign in the research of the intelligence failure of the CIA to estimate the Islamic Revolution of Iran can basically be evaluated as an analytical failure. institutions.

Keywords: Islamic revolution of Iran, intelligence approach, CIA, intelligence cycle, intelligence failure

1. PhD in Political Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
mheidar90@gmail.com

2. Assistant Professor of Management, Abrar Contemporary Institute, Tehran, Iran,
m.modaberi@gmail.com

Received: 2024/ 03/ 04

Approved: 2024/ 05/ 10

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>



واکاوی چرایی شکست سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران

مهدی حیدری^۱

Doi :10.22034/fademo.2024.486278.1061

محمد مدبری^۲

چکیده: انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، بنیان بسیاری از نظریه‌های علوم اجتماعی و سیاسی در خصوص علل وقوع انقلاب‌ها را با چالش اساسی مواجه کرد؛ زیرا کمتر کسی وقوع انقلابی با مختصات انقلاب اسلامی را پیش‌بینی می‌نمود. در خصوص چرایی رخداد انقلاب ایران و تأثیر آن بر تئوری‌های انقلاب تاکنون مطالعات متنوع و مختلفی انجام شده؛ اما در این مطالعات کمتر به نقش دستگاه‌های اطلاعاتی پرداخته شده است. حال اینکه این شکست، قبل از هر چیز یک شکست اطلاعاتی است. بر مبنای این مدعا، سؤال مقاله بدین شرح مطرح شده است که چرا سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، نتوانست انقلاب اسلامی ایران را در سال ۱۳۵۷ پیش‌بینی کند؟ برای پاسخ به این سؤال ضمن مرور ادبیات رشته نوظهور مطالعات اطلاعاتی، از الگوی چرخه اطلاعات استفاده شده است و ناکامی مزبور در هر یک از فرایندهای چرخه اطلاعات تحلیل شده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعات اسنادی گردآوری و با استفاده از روش فراترکیب تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش دلالت بر آن دارد که سازمان سیا در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران، در فرایندهای هدایت، جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل چالش اساسی داشته و لذا در مرحله انتشار نیز با مشکل مواجه شده است؛ در عین حال دال مرکزی در چرایی پژوهشی شکست اطلاعاتی سازمان سیا برای برآورد انقلاب اسلامی ایران را اساساً می‌توان یک شکست تحلیلی ارزیابی کرد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، رویکرد اطلاعاتی، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، شکست اطلاعاتی، چرخه اطلاعات.

۱. دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mheidar90@gmail.com

m.modaberi@gmail.com

۲. استادیار مدیریت، مؤسسه ابرار معاصر، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۲۷۴-۲۴۵

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران در حالی رخ داد که علاوه بر نظریه‌پردازان، بسیاری از سیاست‌مداران و دستگاه‌های اطلاعاتی دنیا مانند سازمان اطلاعاتی سیا نیز که آشنایی نزدیکی با وقایع ایران داشتند از وقوع آن متحیر شدند. سرشناس‌ترین مورخ خارجی انقلاب ایران، نیکی کدی، تصریح می‌کند که «علی‌رغم مدعاهای بازانديشانه و پس از وقوع، هیچ‌کس هرچقدر هم که از وضعیت ایران مطلع و در آن متخصص بود، نتوانست انقلاب ایران را قبل از وقوعش پیش‌بینی کند» (Keddie, 1995, p.5). اسکاچپول نیز معتقد است انقلاب ایران، موردی از انقلاب اجتماعی بود که غیرقابل انتظار و حیرت‌انگیز برای کلیه تئوری پردازان انقلاب بود. واقعیت این است که شما نمی‌توانید حتی یک تئوری پرداز را در هر مکتب و مرامی پیدا کنید که وقوع انقلاب ایران را پیش‌بینی کرده باشد (Skocpol, 1986, p.192).

ناکامی نظریه‌پردازان در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، باعث تجدیدنظر و بازنگری جدی در تئوری‌های انقلاب گردید. به گونه‌ای که اسکاچپول بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، تئوری ساختاری‌اش را به چالش کشید و در چرخشی کامل، این انقلاب اجتماعی را استثنائی و منحصر به فرد تلقی و نوشت:

اگر یک انقلاب در دنیا وجود داشته باشد که عاملان و آگاهانه به وسیله یک نهضت اجتماعی توده‌ای به قصد سرنگون ساختن نظام پیشین ساخته شده باشد، بلا تردید انقلاب ایران علیه شاه است ... انقلاب ایران صرفاً نیامد بلکه به صورت عاملان و منسجمی ساخته شد؛ به ویژه در مرحله اولیه آن یعنی سرنگون ساختن رژیم پیشین ... در ایران، به نحوی یگانه و بی نظیر، انقلاب ساخته شد (Skocpol, 1986, p. 267).

۲۴۶

در خصوص چرایی رخداد انقلاب ایران و تأثیر آن بر تئوری‌های انقلاب تاکنون مطالعات متنوع و مختلفی انجام شده است (ر.ک. به: طالبان، ۱۳۹۳)؛ اما در این مطالعات کمتر به نقش دستگاه‌های اطلاعاتی پرداخته شده است. حال اینکه این شکست، قبل از هر چیز یک شکست اطلاعاتی است. آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا در اوت ۱۹۷۷ / مرداد ۱۳۵۶ گزارش تحقیق ۶۰ صفحه‌ای را تهیه کرد که در آن دقیقاً این جملات ذکر شده است: «شاه تا دهه ۱۹۸۰ نیز شریک فعالی در حیات ایران خواهد بود» و «شیوه سیاسی ایران در آینده نزدیک، تغییر رادیکال مهمی نخواهد داشت». آژانس ضد اطلاعات دفاعی در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ (۷ مهر ۱۳۵۷) گزارش داد که «شاه در ده سال آینده نیز به طور فعال در رأس قدرت باقی خواهد ماند». کارتر نیز

مرتباً این ارزیابی خوش‌بینانه را تکرار می‌کرد (طالبان، ۱۳۹۳). البته سایر سازمان‌های اطلاعاتی بزرگ دنیا نیز ارزیابی‌شان این بود که شاه این بحران را پشت سر خواهد گذاشت، حتی اگر تظاهرات اعتراضی مردم با سرعت زیادی بیشتر شده باشد. به همین دلیل بود که کلیه قدرت‌های بزرگ دنیا تقریباً تا انتها از شاه ایران حمایت کردند (هویدا، ۱۳۷۴، ص. ۱۲). در مهرماه سال ۱۳۵۶ / سپتامبر ۱۹۷۷، یعنی فقط شانزده ماه پیش از فروپاشی حکومت پهلوی در ایران، آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA)، ایران را یک جزیرهٔ ثبات در یک دریای پرتلاطم ترسیم نمود. بر اساس همین گزارش‌های سیا بود که کارتر در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷ (دی‌ماه ۱۳۵۶) خطاب به شاه گفت: «ایران تحت رهبری با عظمت شاه، جزیرهٔ ثبات در یکی از پر آشوب‌ترین مناطق جهان است. این امر مرهون شما اعلیحضرت و رهبری شما و احترام شما، ستایش و عشقی است که مردم شما نسبت به شما دارند» (بیل، ۱۳۷۱).

بر مبنای این مدعا، سؤال قابل طرح این است که چرا سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، نتوانست انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ را پیش‌بینی کند؟ برای پاسخ به این سؤال ضمن مرور ادبیات رشته نوظهور مطالعات اطلاعاتی، از الگوی چرخهٔ اطلاعات استفاده شده است و ناکامی مزبور در هر یک از فرایندهای چرخهٔ اطلاعات تحلیل شده است.

۱. پیشینه پژوهش

در خصوص انقلاب اسلامی ایران مطالعات مختلفی در داخل و خارج از کشور انجام شده است؛ اما به صورت خاص در خصوص چرایی شکست جامعه اطلاعاتی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران، تاکنون پژوهشی در داخل کشور انجام نشده است و همه پژوهش‌های انجام شده به وسیله پژوهشگران خارج از کشور است که در زیر مهم‌ترین این پژوهش‌ها معرفی می‌شوند:

معرفی	نویسنده	عنوان کتاب/مقاله	
<p>این مقاله استدلال می‌کند که برخی از موارد شکست اطلاعات از جمله انقلاب ۱۹۷۹ ایران، نتیجه روابط معیوب اطلاعات-سیاست‌گذار با تکیه بر انگاره غلط حرفه‌ای‌گرایی در چهارچوب رویکرد سنتی جدایی اطلاعات از سیاست است.</p> <p>مقاله رویکرد «تحلیل از نظرگاه مشتری» را معرفی می‌کند که ترجیحات سیاست‌گذار را در مرکز مسائل اطلاعات قرار می‌دهد. در مورد انقلاب اسلامی ایران، در چهارچوب همان داده‌های موجود، تحلیل‌های در چهارچوب این رویکرد می‌توانست واکنش‌گتن را در زمانی که هنوز اهرمی برای اقدام داشت، نسبت به تصمیم‌گیری حیاتی هشدار دهد.</p>	<p>Arzan Tarapore</p>	<p>The view from somewhere: lessons from the intelligence failure in Iran</p>	<p>۱</p>
<p>در این مقاله شکست اطلاعاتی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از خاطرات و اسناد وزارت امور خارجه آمریکا و همچنین تجزیه و تحلیل آماری اسناد و پیام‌ها به سفارت‌ها و کنسولگری‌های آمریکا در ایران انجام شده است. یافته‌ها دلالت بر آن دارد که هرچند مقامات سفارت اعتراض‌های مردمی را گزارش داده‌اند؛ اما بر اهمیت این حوادث تأکید نکرده و لذا سیاست‌گذاران آمریکا را متوجه اهمیت این حوادث نکرده‌اند.</p>	<p>Matthew Connelly, Raymond Hicks, Robert Jervis & Arthur Spirling</p>	<p>New evidence and new methods for analyzing the Iranian revolution as an intelligence failure</p>	<p>۲</p>

معرفی	نویسنده	عنوان کتاب/مقاله	
<p>در این مقاله ویلیام داگرتهی ضعف جامعه اطلاعاتی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران را بررسی می‌کند. او در این مقاله استدلال می‌کند که ترکیبی از عوامل شامل؛ وابستگی به فرضیات نادرست و درک ناکافی از چشم‌انداز اجتماعی - سیاسی ایران به اشتباهات قابل توجهی در مورد ماهیت و قدرت مخالفان رژیم شاه منجر شد. همچنین در حوزه جمع‌آوری اطلاعات توجه ناکافی به نارضایتی‌های رو به رشد و پیچیدگی جامعه ایرانی را از عوامل این شکست اطلاعاتی می‌داند. داگرتهی بر نیاز به ارزیابی‌های اطلاعاتی دقیق‌تر و با جزئیات تأکید می‌کند و اهمیت آگاهی فرهنگی در روابط بین‌الملل را یادآور می‌شود و پیشنهاد می‌کند که چنین بهبودهایی می‌تواند به جلوگیری از شکست‌های مشابه اطلاعاتی در آینده کمک کند.</p>	William J. Daugherty	Behind the Intelligence Failure in Iran	۳
<p>در این مقاله با استفاده از برخی از داده‌های تاریخی که به‌تازگی منتشر شده است استدلال می‌شود شکست در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران ناشی از شکست در گردآوری اطلاعات دقیق و به‌موقع نبوده است، بلکه مشکل ناتوانی دستگاه اطلاعاتی در انتقال این اطلاعات به سیاست‌گذاران بوده است.</p>	Michael Donovan	National intelligence and the Iranian revolution	۴

معرفی	نویسنده	عنوان کتاب/مقاله	
<p>در این مقاله ادعا شده است که سرویس اطلاعاتی اسرائیل برخلاف سرویس اطلاعاتی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران موفق بوده است. در توضیح این تفاوت، مقاله نشان می‌دهد که موفقیت سازمان اطلاعاتی اسرائیل عمدتاً حاصل آشنایی نزدیک نمایندگان اسرائیل در ایران با زبان، تاریخ و فرهنگ محلی و همچنین توانایی برقراری ارتباط با مردم محلی بوده است؛ ابزاری که آمریکایی‌ها کاملاً از آن بی‌بهره بودند.</p>	Uri Bar-Joseph	Forecasting a Hurricane: Israeli and American Estimations of the Khomeini Revolution	۵
<p>این مقاله رویکرد تاریخی به انقلاب اسلامی ایران دارد و حوادث منجر به انقلاب ایران و بعد از آن را تحلیل می‌کند در این مقاله علت ناکامی سیا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران جهت فقدان رابطه سیا با معترضین در خیابان‌ها، بازار و مساجد تحلیل شده است.</p>	Taylan DOĞAN	Rethinking the American Era: A Historical Perspective of Iranian Islamic Revolution and the U.S. Intelligence Community (IC)	۶

۳. تعریف مفاهیم و چهارچوب نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم و اصطلاحات

سازمان اطلاعاتی^۱: شکلی از قدرت دولتی است (هرمان، ۱۹۹۶) که در قالب یک سازمان رسمی و قانونی در راستای تأمین منافع ملی کشور فعالیت‌هایی اطلاعات پایه پنهان در فرایند چرخه اطلاعات انجام می‌دهد. وظایف سازمان‌های اطلاعاتی در کشورداری در قالب سه نقش: «شناختی»، «نظارتی» و «اجرایی» متبلور می‌شود که نقش شناختی بر ادراک سازی اطلاعات به‌عنوان ابزار هدایت سیاست، نقش نظارتی بر امور بازرسی، حفاظتی و حراستی و نقش اجرایی بر فعالیت‌های میدانی مؤثر بر وضعیت امنیت ملی تأکید دارد.

در رویکرد سنتی برای انجام نقش‌های سه‌گانه فوق، در سازمان اطلاعاتی چهار فعالیت حرفه‌ای به‌عنوان «کارکردهای اطلاعات»^۲ به قرار زیر انجام می‌شود: جمع‌آوری، تحلیل و تخمین، ضداطلاعات^۳ و اقدام پنهان^۴ (شولسکی، ۱۳۹۴). ضداطلاعات معمولاً با فعالیت‌هایی که تهدیدات امنیتی ناشی از سرویس‌های اطلاعاتی خارجی را خنثی می‌کند، سروکار دارد (پرانکان، ۱۳۹۶، ص. ۳) و خود دارای سه کارکرد: ضد جاسوسی، ضد براندازی و حفاظت است (نور محمدی، ۱۳۹۱، ص. ۴۹). اقدام پنهان همان عملیات مخفی تأثیرگذاری بر سوژه یا محیط خارجی است (صالحی، ۱۳۹۵، ص. ۲۷).

هشداردهی اطلاعاتی^۵: هشدار کلمه فارسی و عربی آن تحذیر از باب تفعیل است؛ ریشه آن حذر به معنای دور کردن و احتراز از چیزی ترسناک و هرس آور می‌گویند. فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در معادل‌سازی واژه Warning کلمه هشدار را پیشنهاد کرده است. در لغتنامه دهخدا «هش‌دار» به معنی هش داشتن و خبر کردن آورده شده است (دهخدا، ۱۳۸۵). فرهنگ عمید هشدار را سخن، علامت یا حرکتی که برای آگاهانیدن و تنبه به کار می‌رود معنا کرده است (عمید، ۱۳۷۵). با در نظر گرفتن مباحثی از جمله وجود دشمن، امکان غفلت‌پذیری، اعتقاد به تنبه‌آفرینی و اعتقاد به اختیار انسان در انتخاب راه خیر و شر، هشداردهی امری لازم در حیات انسانی است.

1. Intelligence Functions
2. Counterintelligence
3. Counterintelligence
4. Covert Action
5. Intelligence Warning

هشداردهی اعلام و ابراز نشانه‌های بروز یک واقعه از سوی دستگاه اطلاعاتی به مراجع ذی‌ربط است. منظور از اطلاعات هشداردهنده نیز پیش‌بینی احتمال تحقق رویدادی ناخواسته در آینده است که از سطح عادی فزونی یافته یا میزان احتمال آن نسبت به گذشته افزایش خواهد یافت (شیرفمن، ۱۹۹۶، ص. ۷). آبرام شولسکی با تبعیت از الگویی که شرمین کنت ارائه داده است، محصولات اطلاعاتی را به اطلاعات جاری، هشدارها، اطلاعات بنیادین، گزارش‌های مقطعی و برآوردهای اطلاعاتی تقسیم می‌کند (شولسکی، ۱۹۹۴، صص. ۱۲۹ - ۱۲۲).

غافلگیری! غافلگیری مفهومی در برابر مفهوم هشداردهی است. به تعبیری، غافلگیری شرایطی است که در آن، نظام تصمیم‌گیری در معرض پدیده‌هایی قرار می‌گیرد که قبلاً درباره آن‌ها پیش‌آگاهی نداشته باشد. به عبارتی وضعیتی است که مدیریت سیستم با شرایطی مواجه می‌شود که درباره آن‌ها تصویری نداشته و آن‌ها را از قبل حدس نمی‌زده است (حاجیانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۱). انتهای کار یک سازمان اطلاعاتی، جلوگیری از غافلگیری است که منطقی‌تر است. قبل از آن را می‌توان هشداردهی نامید (فاضل و مولایی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۵). وظیفه سازمان این است که با استفاده از ابزار و روش‌های مختلف از جمله جمع‌آوری اطلاعات، بهره‌گیری از تکنیک‌های آینده‌پژوهی مانند تحلیل روند و ... مانع بروز غافل‌گیری شود (علیخانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۲).

شکست اطلاعاتی: شکست‌های اطلاعاتی محصول غافلگیری اطلاعاتی هستند و این دو وضعیت، از ضعف‌های بنیادی تحلیل اطلاعاتی به شمار می‌آیند (حاجیانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۴). شکست اطلاعاتی بر این مبنا استوار است که اطلاعات تا چه میزانی قادر به کاهش عدم اطمینان از آینده است. عدم توانایی در پیش‌بینی دقیق آینده و همچنین پیچیدگی‌های ناشی از تغییرات روزافزون باعث بروز غافلگیری و شکست‌های اطلاعاتی خسارت‌بار شده است (شفیعی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص. ۱۲۸۷). شکست اطلاعاتی زمانی رخ می‌دهد که نظام سیاسی، قادر به پیشگیری کامل از بحران یا مدیریت پیشینی شرایط برای کاهش آسیب‌های ناشی از بحران نباشد. این مهم حاصل ضعف کارکرد مجموعه نهاد اطلاعاتی و دستگاه سیاسی در کنار یکدیگر است و در سه حالت عام رخ می‌دهد:

۱. دستگاه اطلاعاتی تهدید را پیش‌بینی نکند و هشدار صادر نشود؛
۲. سیاست‌گذاران به دلایل مختلف چون بی‌اعتمادی به نهاد اطلاعاتی، به هشدار که صادر شده توجه نکنند؛

۳. علی‌رغم صدور و پذیرش هشدار، تهدید در عمل مدیریت نشود و آسیب رخ دهد (معاونت پژوهش و تولید علم، ۱۳۹۵، صص. ۶ - ۳).

۲-۳. رویکردهای نظری در بررسی شکست اطلاعاتی

نظریه‌های شکست اطلاعات به بررسی دلایلی می‌پردازند که چرا آژانس‌های اطلاعاتی ممکن است نتوانند ارزیابی‌ها یا هشدارهای دقیقی در مورد تهدیدات امنیتی یا رویدادهای مهم ارائه دهند. این نظریه‌ها به تجزیه و تحلیل هر دو مسئله سیستمی و عوامل انسانی که منجر به نقص‌های فرایند اطلاعاتی می‌شوند، می‌پردازند.

تراورتن شکست‌های اطلاعات را ناشی از سیاست زدگی اطلاعات می‌داند. سیاست زدگی اطلاعات به روش‌هایی اشاره دارد که فعالیت‌ها و ارزیابی‌های اطلاعاتی تحت تأثیر زمینه‌های سیاسی و دینامیک‌های قدرت قرار می‌گیرند. تراورتن پنج شکل سیاست زدگی اطلاعات را به شرح زیر معرفی می‌کند. (Treverton & Agrell, 2015)

سیاسی سازی اطلاعات: این مورد هنگامی رخ می‌دهد که اطلاعات به‌طور عمدی برای خدمت به اهداف سیاسی تحریف یا دست‌کاری می‌شود. رهبران سیاسی ممکن است بر روی آژانس‌های اطلاعاتی فشار وارد کنند تا ارزیابی‌هایی ارائه دهند که با دستور کار آن‌ها همخوانی داشته باشد که منجر به گزارش‌های جانب‌دارانه یا انتخابی می‌شود.

اطلاعات به‌عنوان ابزار سیاسی: در این شکل، اطلاعات به‌طور فعال به‌عنوان ابزاری برای توجیه تصمیمات یا اقدامات سیاسی استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، دولت‌ها ممکن است از ارزیابی‌های اطلاعاتی برای تأیید مداخلات نظامی یا حمایت از قوانین استفاده کنند و تصمیمات خود را در چهارچوبی قرار دهند که با تحلیل‌های «کارشناسی» پشتیبانی می‌شود.

۲۵۳

تأثیر افکار عمومی بر اطلاعات: سیاسی سازی اطلاعات همچنین می‌تواند از طریق تأثیر افکار عمومی ظهور کند. تصمیم‌گیرندگان ممکن است اطلاعاتی را که به احساسات یا نگرانی‌های عمومی پاسخ می‌دهد، شکل یا درخواست کنند و از این‌رو ارزیابی‌های اطلاعاتی بیشتر منعکس‌کننده تقاضاهای عمومی باشد تا تحلیلی عینی.

سیاست‌های بوروکراتیک: این شکل بر این تأکید دارد که دینامیک‌های داخلی آژانس‌های اطلاعاتی چگونه می‌تواند بر نتایج آن‌ها تأثیر بگذارد. آژانس‌های مختلف ممکن است دارای دستورهای کاری رقابتی باشند و مدیران آن‌ها ممکن است به تأکید بر یافته‌های اطلاعاتی خاصی بپردازند که با منافع بوروکراتیک خود همخوانی دارد و این می‌تواند به نتایج سیاسی زده بر اساس مبارزات قدرت داخلی منجر شود.

فشار سیاسی خارجی: آژانس‌های اطلاعاتی اغلب از طرف نهادهای سیاسی خارجی، از جمله قانون‌گذاران، احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفع تحت فشار قرار دارند. این فشار می‌تواند به ایجاد محیطی سیاسی زده منجر شود که در آن اطلاعات تحت تأثیر نیاز به برآورده سازی این تأثیرات خارجی قرار می‌گیرد و نه تنها بر پایه تحلیل عینی متمرکز باشد.

۳-۳. مدل نظری: چرخه اطلاعات^۱

برای درک چرایی شکست اطلاعاتی مطالعه مدل چرخه اطلاعات می‌تواند راهگشا باشد. چرخه اطلاعات نقشی محوری در بررسی و درک اطلاعات طی دوره بعد از جنگ جهانی دوم داشته است. درست به همان شکل که مطالعات علوم ارتباطات معمولاً با شرح ماهیت پیام و رسانه آغاز می‌شود، مطالعات دانشگاهی در زمینه اطلاعات نیز با شرح چرخه اطلاعات شروع می‌شود. از سال ۱۹۴۵ و با انتشار کتاب اطلاعات خاص فرماندهان است نوشته فیلیپ دیویدسون، این موضوع به تدریج وارد متون آموزشی ارتش آمریکا شد (فیتین، ۱۳۹۳، ص. ۵۷) و در سال ۱۹۴۸ با اثر شرمن کنت تحت عنوان اطلاعات راهبردی برای سیاست جهانی آمریکا شهرت یافت (Kent, 1949) و ویلمور کندال^۲ آن را توسعه داد (علیخانی، ۱۳۹۴، ص. ۳۹۹).

طبق چرخه اطلاعات، فعالیت اطلاعاتی با هدف گذاری و هدایت شروع می‌شود. فعالیت بدون هدف، ابتر و شکست خورده خواهد بود. هدف گذاری اطلاعاتی ممکن است بیرون از سازمان اطلاعاتی (به وسیله کارگزاران سیاسی) یا از داخل، تحلیلگران خود سازمان آن را به صورت مستقل انجام دهند. از این موضوع در ادبیات اطلاعاتی، تحت عنوان پیوند میان سیاست و اطلاعات یاد می‌شود. نظریه‌های پیوند سیاست و اطلاعات متأثر از دو نظریه هنجاری است: نظریه تفکیک اطلاعات (شرمن کنت) و نظریه اطلاعات کاربردی (رابرت گیتس). از نظر کنت اطلاعات کارآمد، اطلاعات مستقل است؛ بنابراین تحلیلگران اطلاعاتی باید همواره فاصله خود را با سیاست حفظ کنند. در این رویکرد گزارش تحلیلگران اطلاعاتی نباید بر اساس اولویت و ذائقه مشتریان آنان شکل بگیرد؛ زیرا که این موضوعات باعث سیاست زدگی در سرویس‌های اطلاعاتی می‌شود. در مقابل، برخی دیگر نظیر رابرت گیتس رئیس پیشین سیا، معتقدند که تحلیل‌های اطلاعاتی باید در راستای رفع نیازهای مقامات دولتی باشد. از این رو ضرورت دارد که تحلیلگران اطلاعاتی از نیازمندی‌های سیاستمداران آگاهی داشته باشند و در راستای این نیازمندی‌ها فعالیت کنند. به این دلیل گیتس تصریح می‌کند که جامعه اطلاعاتی

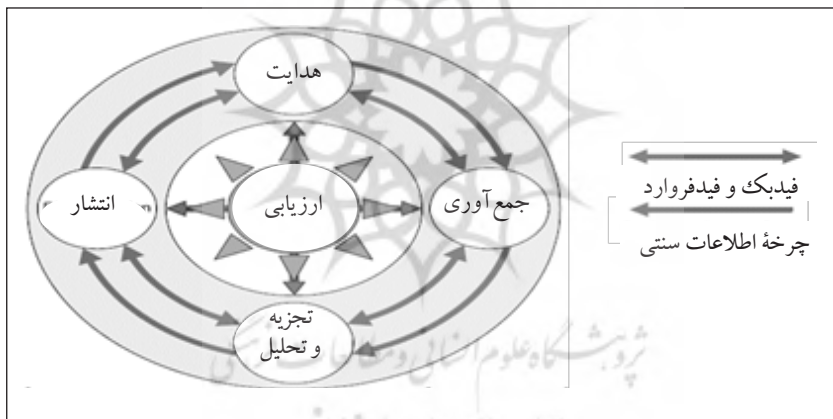
1. Intelligence Cycle

2. Willmoore Kendall

باید درست در کنار سیاست گذار باشد، تحلیلگر بازوی سیاست گذار باشد، فکر سیاست مدار را بخواند و نگرانی های آتی وی را بشناسد (خرازی و سپهری، ۱۳۹۶، ص. ۱۷).

مرحله بعدی در چرخه فعالیت اطلاعاتی، جمع آوری اطلاعات است. بر اساس تعریف سازمان سیا در صورت اعمال استانداردهایی خاص، اطلاعات پنهان به صورت مستقیم می تواند از شش منبع اصلی جمع آوری شود: علائم^۱، تصویرنگاری^۲، اندازه گیری و تعیین کیفیت^۳، منابع انسانی^۴، جغرافیایی^۵ و آشکار^۶ (سازمان سیا، بی تا).

در مرحله سوم «تجزیه و تحلیل اطلاعات»^۷ صورت می پذیرد که با پردازش، داده تصفیه می شود و با استفاده از تکنیک های مختلفی مانند رمزگشایی، ترجمه زبان، تقلیل و ... داده ها به اطلاعات سازماندهی شده تبدیل شده و پس از ارزیابی ترکیب شده و به اطلاعات پنهان تبدیل می شود. در مرحله پنجم که «انتشار»^۸ نامیده می شود، اطلاعات پنهان ایجاد شده به مشتری ارائه می شود.



1. Signal Intelligence (SIGINT)
2. Imagery Intelligence (IMINT)
3. Measurement and Signature Intelligence (MASINT)
4. Human Intelligence (HUMINT)
5. Geographic Intelligence (GEOINT)
6. Open Source Intelligence (OSINT)
7. Processing and Exploitation (Of Information)
8. Dissemination (to Partners) and Integration

بر اساس مدل چرخه اطلاعات، شکست اطلاعاتی ریشه در فرایندهای چرخه اطلاعات، شامل هدایت، جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات دارد. لذا برای تحلیل چرایی شکست سازمان سیا در برآورد انقلاب اسلامی ایران از این مدل استفاده خواهد شد.

۴. روش‌شناسی

در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش فراترکیب استفاده شده است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که یافته‌های سایر تحقیقات کیفی در زمینه یک موضوع را به‌عنوان داده به کار می‌گیرد. در واقع فراترکیب به گروهی از رویکردها و روش‌ها اطلاق می‌شود که برای سنتز و ترکیب مطالعات کیفی با هدف ارائه تفسیری جدید از پدیده تلاش می‌کنند. فراترکیب می‌تواند به نوبه خود با تفسیر، مقایسه و ترجمه مطالعات کیفی مختلف با استفاده از یک دستگاه مفهومی متفاوت یک دانش جامع تولید نماید (Bergdahl, 2019)؛ بنابراین نمونه‌های مطالعات فراترکیب را مطالعات کیفی تشکیل می‌دهند که محقق بر اساس سؤال پژوهش مورد علاقه، آن‌ها را وارد مطالعه می‌کند (عابدی جعفری و امیری، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر نمونه پژوهش شامل ۱۵ پژوهش کیفی به شرح زیر است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و وارد تحلیل شده است. داده‌های کیفی گردآوری شده در رابطه با موضوع پژوهش، نهایتاً با استفاده از مدل چرخه اطلاعات تحلیل و نتایج جمع‌بندی و ارائه شده است:

ردیف	پدیدآورنده	عنوان اثر	انتشار	ترجمه
۱	ویلیام سولیوان William H. Sullivan	مأموریت در ایران: خاطرات سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران Mission to Iran	۱۹۸۱	۱۳۹۳
۲	استانسفیلد ترنر Stansfield Turner	پیش از خواندن بسوزانید Burn before Reading	۲۰۰۶	۱۳۸۸
۳	جیمی کارتر Jimmy Carter	ایران در خاطرات جیمی کارتر Keeping Faith: Memoirs of a President	۱۹۸۲	۱۳۹۰
۴	گری سیک Gary Sick	هر چیز فرومی‌ریزد All Fall Down: Americans tragic in counter with Iran	۲۰۰۱	۱۳۸۴

1. Tasking
2. Collection

ردیف	پدیدآورنده	عنوان اثر	انتشار	ترجمه
۵	رابرت جرویس Robert Jarvis	شکست اطلاعاتی: درس هایی از انقلاب ایران و عراق Why Intelligence Fails: Lessons from Iranian Revolutions and Iraq War	۲۰۱۰	۱۴۰۱
۶	سایروس ونس Cyrus Vance	انتخاب دشوار: سال های بحرانی سیاست خارجی آمریکا Hard Choices: Critical Years in Americas Foreign Policy	۱۹۸۳	۱۳۹۱
۷	جیمز بیل James A. bill	شیر و عقاب The Eagle and the Lion: The Tragedy of American-Iranian Relations	۱۹۸۹	۱۳۷۱
۸	آرزان تاراپور Arzan Tarapore	The view from somewhere: lessons from the intelligence failure	۲۰۲۲	-
۹	Matthew Connelly, Raymond Hicks, Robert Jervis, Arthur Spirling	New evidence and new methods for analyzing the Iranian revolution as an intelligence failure	۲۰۲۱	
۱۰	William J. Daugherty	Behind the Intelligence Failure in Iran	۲۰۰۱	
۱۱	Michael Donovan	National intelligence and the Iranian revolution	۱۹۹۷	
۱۲	Uri Bar-Joseph	Forecasting a Hurricane: Israeli and American Estimations of the Khomeini Revolution	۲۰۱۳	
۱۳	Taylan DOĞAN	Rethinking the American Era: A Historical Perspective of Iranian Islamic Revolution and the U.S. Intelligence (Community IC)	۲۰۱۲	
۱۴	Dahl, E.J	Intelligence and Surprise Attack, Failure and Success from Pearl Harbor to 9/11/ and Beyond	۲۰۱۳	

۵. یافته‌های پژوهش

در فراترکیب صورت گرفته، از مدل چرخه اطلاعات به‌عنوان قالب تحلیل و چهارچوب افراز گزاره‌های مورد نظر پژوهشگران استفاده شده است و ذیل هر یک از چهار مرحله چرخه؛ معضلات و مشکلات مرتبط با آن به قرار زیر تجمیع شده است:

۵-۱. مشکلات چرخه اطلاعات در بُعد هدایت و هدف‌گذاری سازمان اطلاعاتی

هدایت و هدف‌گذاری اولین مرحله از فرایند چرخه اطلاعات است. در این مرحله مدیر اطلاعاتی اهداف و خواسته سازمان اطلاعاتی را که برگرفته از نیازهای اطلاعاتی سیاست‌گذار است به افسران جمع‌آوری ابلاغ می‌کند. در فراتحلیل صورت گرفته از نواقص و معایب موجود در این مرحله، چنین احراز شد که هفت گزاره کلیدی مشکلات محوری و عمده در هدایت و هدف‌گذاری سازمان سیا بوده است.

بُعد ۱. هدایت و هدف‌گذاری سازمان اطلاعاتی		
ردیف	متن	کد
۱	هیچ‌کس نه در داخل و نه در خارج از حکومت، متوجه نقش دین و خمینی نشد. تحلیلگر ارشد سیاست ایران علاقه زیادی به تشکیلات مذهبی داشت و روی این موضوع پژوهش توصیفی هم انجام داده بود؛ اما سرآغاز آنچه را امروز ما اسلام تندرو یا اصول‌گرا می‌نامیم، درک نکرده بود. البته درک شرایط آسان است؛ اما شاید او و دیگران باید تشخیص می‌دادند که محدود کردن همه دیگر شکل‌های جناح مخالف، بدین معنی است که رهبران دینی می‌توانند هسته مرکزی احساسات و فعالیت‌های ضد حکومتی شوند. مشکل اصلی این بود که تحلیلگران مانند هر کس دیگری در آن زمان، اگر نگوئیم نقش وجودی، اما پتانسیل دین در بسیاری جوامع را دست‌کم گرفته بودند (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۵۶).	نگاه تقلیل‌گرایانه به جایگاه دین در جامعه ایران
۲	در مورد اینکه آیا به اطلاعات استراتژیک بیشتری نیاز بود یا اطلاعات تاکتیکی، اختلاف نظر وجود دارد. داهل به فراوانی تحلیل‌های استراتژیک اشاره می‌کند که عمدتاً بر درک تهدیدات گسترده شوروی متمرکز بود (Dahl, 2013, p.7).	تمرکز بر تهدید شوروی
۳	در سی‌ام مارس [۱۰ فروردین ۱۳۵۷] وزیر امور خارجه سایروس ونس به‌منظور شرکت در اجلاس وزرای خارجه سنتو وارد ایران شد. او ضمن ملاقات با شاه وی را در جریان تحولات انجام گرفته در خصوص مناقشه اعراب و اسرائیل قرار داد. جالب اینکه در این دیدار ونس با شاه از تحولات داخلی ایران و مشکلات پیش روی حکومت سخن به میان نیامد (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۶۵).	تقلیل اولویت ایران در سایه مناقشه اعراب و اسرائیل

ردیف	متن	کد
۴	عجیب است که تا پایان ماه اکتبر سال ۱۹۷۸ [مهر ۱۳۵۷]، یعنی بعد از گذشت ده ماه از وضعیت ناآرام و متلاطم ایران، سران عالی‌رتبه آمریکا در خصوص تحولات ایران حتی یک نشست هم تشکیل نداده بودند (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۸).	ضعف در اولویت‌گذاری
۵	ایران در سال ۱۹۷۴/۱۳۵۳، در بین ۱۳۸ کشور، رتبه هفتم را در جهان به خود اختصاص داده بود و قوام ارتش متضمن ثبات سیاسی بود. در مهرماه ۱۳۵۶/ سپتامبر ۱۹۷۷، یعنی فقط شانزده ماه قبل از فروپاشی حکومت سلطنتی ایران، سازمان اطلاعات آمریکا (سیا)، ایران را به‌عنوان یک جزیره ثبات در یک دریای پرتلاطم ترسیم نمود. بر همین اساس، رئیس‌جمهور وقت آمریکا (جیمی-کارتر) نیز در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷/ دی‌ماه ۱۳۵۶ خطاب به شاه در تهران اظهار نمود: ایران تحت رهبری باعظمت شاه، جزیره ثبات دریکی از پرآشوب‌ترین مناطق جهان است. این امر مرهون شما اعلیحضرت و رهبری شما و احترام، ستایش و عشقی است که مردم شما نسبت به شما دارند (بیل، ۱۳۷۱، ص. ۳۷۴).	سوگیری شناختی سیاست‌گذار (غلبه پیش فرض‌های غلط)
۶	«وزارت خارجه آمریکا همواره برای هر یک از مناطق مهم جهان فهرستی از مشکلات پیش روی خود در آن مناطق را تهیه و آنان را اولویت‌بندی می‌نمود تا بر اساس میزان اهمیت به آن‌ها پرداخته شود. در اواخر سال ۱۹۷۸ [۱۳۵۷] «بی‌ثباتی داخلی ایران» به‌عنوان سومین مشکل از میان شش مشکل در فهرست مربوط به خاورمیانه محسوب شده بود. در نتیجه این الگوی رفتاری بود که در مراحل اولیه انقلاب توجه چندانی به تحولات ایران و فعالیت‌های مخالفان نشد» (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۶۶).	عدم اولویت‌بندی دقیق مسائل
۷	«واشنگتن در بجهت بحران ایران بیشتر متوجه مسائل دیگری از قبیل قرارداد کمپ دیوید و حل اختلافات اعراب و اسرائیل بود» (سولیوان، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۳).	تقلیل اولویت مسئله ایران در سایه مسائل منطقه و جهان

مجموعاً مؤلفه‌های مسئله‌ساز در ذیل بعد مذکور در قالب زیر بازشناسی می‌شوند:



همان‌گونه که از شواهد فوق مشخص است، سیاست‌گذاران ایالات متحده آمریکا اهمیت و فوریت مسئله ایران را به درستی درک نکرده و لذا هدایت سازمان‌های اطلاعاتی آن‌ها از طریق واگذاری مأموریت‌های جایگزین با چالش مواجه گردید. از مهم‌ترین عوامل بروز این مشکل موارد زیر بوده است:

۲۶۰

۱. تحت‌الشعاع قرار گرفتن مسئله ایران در سایه تحولات جهانی و منطقه‌ای (مناقشه اعراب و اسرائیل و جنگ سرد): در این مقطع ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی معاهده‌ای تحت عنوان پیمان محدودسازی تسلیحات راهبردی (سالت ۱) را به امضا رساندند تا تولید موشک‌های بالستیک طرفین را محدود کنند. برای این منظور آمریکا از طریق پایگاه‌های خود، آزمایش‌های نظامی شوروی را برای ساخت موشک‌های بالستیک در دایره رصد داشت که نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین آن‌ها پایگاه کپکان در ایران بود. در کشاکش جنگ سرد هم ایستگاه سی. آی. ای در تهران یکی از مراکز کلیدی و راهبردی آمریکا در جهان بود. اسناد منتشر شده از ساواک که حاصل مراقبت‌های معمول این سازمان بر روی سفارت آمریکا در

تهران بوده نیز نشان می‌دهد که سفارت آمریکا در تهران حداقل از دورهٔ سفارت ریچارد هلمز به بعد، تبدیل به ایستگاه منطقه‌ای سی‌ای شده بود؛ اسناد ساواک نشان می‌دهد که سفارت آمریکا و ایستگاه سی‌ای در تهران در این مقطع فعالیت‌هایی فراتر از ایران دارند و عملیات اطلاعاتی کشورهای مختلف منطقه را هدایت می‌کنند (برای آگاهی بیشتر ر.ک.به: محبوبی، ۱۴۰۳).

یکی دیگر از مسائل و اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا در این مقطع مناقشه اعراب و اسرائیل بود؛ این مناقشه با جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ به اوج خود رسید و نگرانی‌های عمیقی را برای ایالات متحده از جهت امنیت اسرائیل ایجاد کرد. این مناقشه نهایتاً با وساطت آمریکا در سال ۱۹۷۸ به توافق صلح کمپ دیوید منجر شد.

۲. نگاه تقلیل‌گرایانه به جایگاه دین و رهبران مذهبی در ایران: ماهیت مذهبی قیام ایرانیان در سال ۱۳۵۷ برای جامعه اطلاعاتی و سیاست‌گذاران آمریکا که در تحلیل انقلاب‌ها به مدل‌های سنتی متکی بودند قابل درک نبود. سیاست‌گذاران ایالات متحده اعتراض‌های مردم ایران را از جانب «یک طبقه متوسط، لیبرال و خواهان مدرن شدن» ارزیابی می‌کردند که در واکنش به توسعه‌ناپذیری در ایران شکل گرفته است. سیاست‌گذاران آمریکایی در این مقطع نگاه تقلیل‌گرایانه‌ای از جایگاه دین و مذهب در جامعه ایران داشتند و تصور نمی‌کردند روحانیون بخواهند و یا بتوانند حکومت را به دست بگیرند.

۳. پیش‌فرض‌های غیردقیق سیاست‌گذاران ایالات متحده از انسجام و قدرت حکومت در ایران: سیاست‌گذاران آمریکایی تصور می‌کردند شاه با اجرای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، سلطنت را به‌طور قابل‌توجهی تقویت کرده و مخالفان بسیار پراکنده را ناتوان کرده است. همچنین آمریکایی‌ها معتقد بودند شاه قادر است با اتکا به حمایتی که از طریق مدرنیزاسیون به دست آورده، اقتدار خود را اعمال کند. سرطان پیشرفته شاه احتمالاً بر تصمیم‌گیری‌های او تأثیر گذاشته بود؛ اما دولت کارتر تا اواخر سال ۱۹۷۹ از بیماری شاه مطلع نشد و لذا ارزیابی غیردقیقی از قدرت و انسجام حکومت در ایران داشتند.

۲-۵. مشکلات چرخهٔ اطلاعات در بعد جمع‌آوری اطلاعات

مرحلهٔ جمع‌آوری اطلاعات دومین مرحله از چرخه اطلاعات است که کنشگر محوری و فعال در صحنه آن افسران جمع‌آوری می‌باشند. افسران جمع‌آوری موظف‌اند مطابق محورهای

کلان تعیین شده در مرحله هدایت، با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای جمع‌آوری (هدایت منابع^۱، مأمورین^۲ و عوامل انسانی، روش‌های آشکار، فنی و ...) نیازهای کلان سازمانی را برآورده سازند. از طرف دیگر واحد جمع‌آوری وظیفه رصد تمامی شواهد و قرائن محیطی را بر عهده داشته تا بتواند هشداردهی لازم را برای سیاست‌گذاران فراهم کند.

در این قسمت هشت گزاره کلیدی به‌عنوان مشکلات محوری و عمده در جمع‌آوری سازمان اطلاعاتی در نگاه تحلیلگران غربی کشف و مورد مذاقه قرار گرفته است.

بُعد ۲. جمع‌آوری سازمان اطلاعاتی		
ردیف	متن	کد
۱	رهبران سیا بعدها در پاسخ به انتقادات وارده به سیا مبنی بر عدم پیش‌بینی انقلاب، «حرف‌های استانیفیلد ترنر، رئیس وقت سیا را بازگو می‌کردند که تنها منبع موثق اطلاعاتی سیا از اوضاع ایران، ساواک بوده و شکست سیا در پیش‌بینی حوادث ایران به خاطر اعتماد به ساواک بوده است» (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۹۷).	عدم تنوع‌بخشی به مجرای ورود داده
۲	دست‌کم حدود یک دهه بود که ایالات متحده روابط خود را با ایران، تنها رابطه با شخص شاه می‌دانست. احتمالاً هیچ دستور رسمی از سوی واشنگتن برای اجتناب از رابطه با گروه‌های مخالف شاه صادر نشده بود؛ اما کارمندان سفارت به‌خوبی می‌دانستند که شاه از برقراری چنین تماس‌هایی ناراحت می‌شود (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۶۴).	عدم جامعیت هدایت
۳	«ما متوجه نشده بودیم که پایه‌های سیاسی حکومت شاه تا چه حد متزلزل بود. ما نمی‌دانستیم که شاه بیماری علاج‌ناپذیری داشت» (ترنر، ۱۳۸۸، ص. ۲۱۱).	عدم اشراف اطلاعاتی در اهداف مرجع امنیت
۴	«شناخت ما از نیروهایی که علیه او [شاه] به مبارزه برخاسته بودند بسیار اندک بود؛ ولی اظهارات ضد‌آمریکایی آنان دلیل خوبی بود تا ما را در حمایت از شاه مصمم‌تر سازد» (کارتر، ۱۳۹۰، ص. ۲۶).	ضعف جمع‌آوری محیطی

1.Sources
2.Agents

ردیف	متن	کد
۵	«نظم و سازمان این راهپیمایی در عین حال که موجب حیرت و شگفتی ما شده بود، این واقعیت را آشکار ساخت که ما تشکیلات و فعالیت مخالفان را دست کم گرفته‌ایم و در میان گروه‌های مخالف به ویژه روحانیون و بازاریان منابع اطلاعاتی لازم را نداریم. پس از اینکه گزارش جریان را به واشنگتن فرستادم به فکر برقراری ارتباط با روحانیون و رهبران بازاریان افتادم» (سولیوان، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۴).	عدم جمع آوری اقتشاری
۶	گری سیک با نقد جامعیت و همه‌جانبه نگری تحلیل‌ها و گزارش‌های سولیوان سفیر وقت آمریکا در تهران که «تنها به توصیف وضعیت ظاهری شاه» می‌پرداخت و «از ارائه هرگونه قضاوت در خصوص توانایی روحی یا فیزیکی شاه برای پرداختن به تحولات ایران خودداری می‌کرد» انتقاد می‌کند. گری سیک با اشاره به گزارش هم‌زمان و واقع‌بینانه پارسونز سفیر وقت بریتانیا در ایران از بی‌توجهی واشنگتن به گزارش وی اظهار تأسف می‌کرد. پارسونز در آن گزارش شاه را با «قد خمیده» و «صورتی زرد» که «به آهستگی راه می‌رفت» و «خسته و فرسوده به نظر می‌رسید» توصیف کرده بود (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۹۸).	مشاهده و توصیف غیر دقیق
۷	در یکی از گزارش‌های وزارت خارجه آمده است: «کارمندان سفارت در جمع آوری اطلاعات در خصوص مخالفان شاه با مشکل مواجه هستند...؛ به دلیل حساسیت‌های دستگاه سلطنت و عدم رضایت آنان از برقراری تماس با این گروه‌ها؛ بنابراین به منظور پرهیز از خشم و غضب شاه، تماس‌های سفارت آمریکا در تهران محدود به مقامات دربار باقی ماند (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۶۴).	انکاب به جمع آوری رسمی و پرهیز از سایر روش‌های جمع آوری
۸	حتی زمانی که کارمندان سفارت و سازمان سیا، مخالفان شاه را ملاقات می‌کردند هم این افراد تقریباً همیشه جزء نخبگان طرفدار غرب بوده‌اند. بسیاری از آن‌ها دیدگاه‌های غربی درباره نقش دین در جامعه را عنوان می‌کردند. آن‌ها احساسات کسانی را که برای سرنگونی رژیم به خیابان‌ها ریخته بودند، مطرح نمی‌کردند و نمی‌توانستند منتقل کنند (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۸۱).	عدم تنوع منابع خبر

مجموعاً مؤلفه‌های مسئله‌ساز در ذیل بعد مذکور در قالب زیر بازشناسی می‌شوند:



یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف سیا استفاده از منابع غیر محرمانه و رسمی برای درک بهتر معترضان بوده است. اگر افسران اطلاعاتی آمریکا به «مردم در خیابان‌ها، بازارها و سینماها» مراجعه کرده بودند، احتمالاً می‌توانستند «دامنه و عمق نفرت از شاه، قدرت ملی‌گرایی و نقش رهبران مذهبی به‌عنوان نقاط کانونی» را کشف کنند. نکته دیگر اینکه افسران سیا، نتوانست بودند درباره سلامت شاه، اطلاعات دقیقی کسب نمایند.

شکست جمع‌آوری اطلاعات در نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده به دلیل وابستگی به واحد اطلاعات داخلی شاه، ساواک، تشدید شد. همان‌طور که جرویس تأکید می‌کند، ساواک اطلاعات گمراه‌کننده‌ای درباره مخالفان ارائه نداد، بلکه اساساً هیچ اطلاعاتی ارائه نکرد. در زمانی که نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده تحت فشار بودند، وابستگی واشنگتن به شاه انگیزه‌اش را برای ادامه جمع‌آوری مستقل اطلاعات از بین برد (جرویس، ۱۴۰۱).

۳-۵. مشکلات چرخه اطلاعات در بعد تحلیل اطلاعاتی

تحلیل اطلاعات سومین مرحله از فرایند چرخه اطلاعات است. در این مرحله اطلاعات گردآوری شده، پس از ارزیابی، تحلیل می‌شوند. هدف از تحلیل اطلاعات کشف مجهولات و پیش‌بینی رویدادهای آتی است. حتی اگر اطلاعات به‌درستی گردآوری شده باشند، در صورتی که به‌صورت مناسب تحلیل نشوند، شکست اطلاعاتی قطعی است. در نتیجه فرایند تحلیل اطلاعات، محصولات مختلفی تولید می‌شود که یکی از مهم‌ترین محصولات، گزارش هشدار است. در این قسمت هشت گزاره کلیدی به‌عنوان مشکلات محوری و عمده در جمع‌آوری سازمان اطلاعاتی در نگاه تحلیلگران غربی کشف شده و مورد مذاقه قرار گرفته است.

بُعد ۳. تحلیل اطلاعاتی		
ردیف	متن	کد
۱	«ما از درک آیت‌الله خمینی رهبر انقلاب و میزان نفوذ او عاجز بودیم. ما هرگز تصور نمی‌کردیم که همه گروه‌های ناراضی و مخالف شاه به‌وسیله یک روحانی ۷۹ ساله به نام آیت‌الله خمینی که به حالت تبعید در فرانسه به سر می‌برد، به هم جوش داده شوند» (ترنر، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۷).	خطای ادراکی در رتبه‌بندی تهدیدات
۲	سی‌ای‌ای، وزارت امور خارجه و وزارت دفاع به‌ندرت اطلاعاتی درباره ایران با یکدیگر به اشتراک گذاشتند (جرویس، ۱۴۰۱).	ضعف ترکیب اطلاعات
۳	هوارد هارت (کفیل سرپرست ایستگاه سیا در تهران) می‌گوید: «ما هنوز این ملت را نشناخته بودیم و به افکار و عقایدشان پی نبرده بودیم» (واینر، ۱۳۸۶، ص. ۹۸).	عدم توجه به زمینه‌ها و نگاه تاریخی به جوامع
۴	«اساساً برای بیشتر ناظران رسمی یا غیررسمی، سخت بود که تصور کنند شاه سقوط خواهد کرد... این ذهنیت که یکی از قدرتمندترین پادشاهان جهان به‌وسیله جمعیت غیر مسلحی از متعصبین الهام گرفته از مذهب سرنگون شود، حقیقتاً غیرقابل باور بود. گذشته از این، حتی اگر ناظران عمیق نارضایتی عمومی در ایران را درک می‌کردند، احتمالاً باز هم غیرقابل باور می‌بود» (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۷۵).	سوگیری و حصر در پیش‌فرض جهت‌دار (مدل ذهنی)

ردیف	متن	کد
۵	«تقریباً همه در دولت، ثبات رژیم را دست بالا گرفته بودند. آنها قدرت شاه را بیش از اندازه ارزیابی کرده و تعداد گروه‌ها و افرادی که مخالف او بودند و شدت احساسات آنها را دست کم گرفته بودند. تهدید داخلی یا مخالفت سیاسی جدی‌ای علیه حکومت شاه وجود ندارد. او در ۵۸ سالگی در سلامت و خوبی به سر می‌برد و یک دستگاه امنیتی کامل از او محافظت می‌کند. به نظر می‌رسد شانس فوق‌العاده‌ای برای حکمرانی طی دهه آینده دارد» (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۵۶).	عدم استفاده از مدل تحلیلی مناسب «برجسته-سازی قوت و فرصت در تحلیل اطلاعاتی و عدم توجه به آسیب‌پذیری‌ها (تهدید+ضعف)»
۶	«ما توهمی دربارهٔ محبوبیت رژیم نداشتیم... جایی اشتباه کردیم که پیش‌بینی نکردیم. جریان‌های مختلف مخالف که هر کدام دلیل متفاوتی برای انزجار از حکومت شاه داشتند، به تدریج در جریانی بزرگ از اعتراض به هم خواهند پیوست» (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۵۷).	عدم تهیه برآورد اطلاعاتی
۷	بخش بزرگی از مخالفت به خاطر دین بود و برای بیشتر افرادی که در یک فرهنگ سکولار زندگی می‌کنند، همراهی و درک کامل باورهای دینی سخت است؛ به‌ویژه وقتی این دین برای آنها بیگانه است. اکثر تحلیلگران مدرن تمایل دارند اهمیت دین را کوچک بشمارند و به توضیحات دیگری برای رفتارها بپردازند. به‌علاوه تشیع یک دین غیرمعمول است، شاخه دیگری از اسلام و بنابراین دربردارندهٔ چالشی دو برابر برای فهم آن است. ما دربارهٔ اینکه افراد مرتبط با ایران در مرکز ارزیابی خارجی ملی (اعم از مدیران و تحلیلگران) نقش دین در این وضعیت را چگونه دیدند، نمی‌توانیم کلی‌گویی کنیم. تحلیلگر ارشد مسائل ایران در مرکز ارزیابی خارجی ملی به اهمیت دین به‌عنوان یک عامل سیاسی حساس بود؛ اما ما گمان می‌کنیم که بسیاری دیگر، آن‌قدر حساس نبودند و اگر مخالفت صرفاً سکولار بود، ناظران سریع‌تر عمق و وسعت آن را تشخیص می‌دادند (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۷۷).	ضعف معرفت‌شناسی مکاتب علوم اجتماعی
۸	افسران مستقر در ایران در پرورش اخبار و تبیین شواهد و استدلال‌ها پیرامون مسائل اصلی، کار اندکی انجام دادند. در واقع قابل توجه است که در طول این دوره هیچ متنی تولید نشد که این سؤال را که «آیا رژیم ممکن است سرنگون شود؟» مرکز توجه خود قرار دهد (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۸۶).	عدم تحلیل انتقادی پیش‌فرض‌ها

مجموعاً مؤلفه‌های مسئله‌ساز در ذیل بُعد مذکور در قالب زیر بازشناسی می‌شوند:



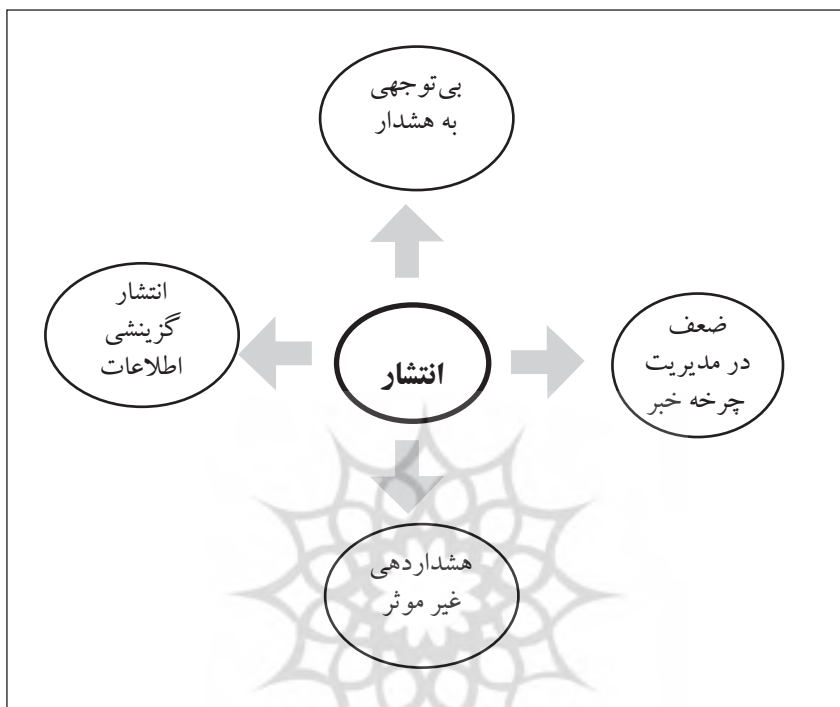
۴-۵. مشکلات چرخه اطلاعات در بعد انتشار محصول سازمان اطلاعاتی

آخرین گام از فرایند چرخه اطلاعات، انتشار اطلاعات است. در این مرحله مهم ترین محصول، انتقال گزارش هشدار است که باید به مقامات سیاسی منتقل شود. در صورتی که اطلاعات گردآوری شده به درستی تحلیل شوند؛ ولی به شکل مناسب و به موقع به سیاست گذار منتقل نشود، شکست اطلاعات همچنان قطعی است. لذا می توان گفت بخشی از شکست های اطلاعاتی ناشی از خلل در مرحله انتشار است؛ این مشکل در نتیجه عوامل مختلفی حادث می شوند. بر اساس بررسی انجام شده، چهار گزاره کلی در نگاه تحلیلگران غربی ناظر بر ناکامی در مرحله انتشار کشف و مورد مذاقه قرار گرفته است.

بُعد ۴. انتشار محصول سازمان اطلاعاتی

کد	متن	
بی توجهی به هشدار	<p>«در این مورد فقط یک استثنا قابل اشاره است و آن پیش‌بینی یک مقام اطلاعاتی جوان سفارت فرانسه مبنی بر اینکه رژیم شاه در عرض یک سال آینده سقوط خواهد کرد. اظهار نظر این مقام سفارت فرانسه به سرعت در محافل دیپلماتیک تهران پخش شد و در مهمانی‌ها و مراسم‌هایی که فرصت دیدار برای دیپلمات‌های خارجی دست می‌داد این موضوع مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گرفت. از بررسی‌هایی که خود ما در سفارت درباره حوادث جاری به عمل آوردیم یکی از افراد ما به نتیجه‌ای مشابه افسر فرانسوی مزبور رسیده بود» (سولیوان، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۹).</p> <p>یوری لوبرانی، نماینده اسرائیل در ایران در آن مقطع، در تلاش بود تا گزارش‌های خود را با واشنگتن به اشتراک بگذارد که برخلاف گزارش سولیوان، سقوط شاه را پیش‌بینی می‌کرد (Joseph, 2013)؛ اما سیاست‌گذاران آمریکایی به این گزارش‌ها توجهی نکردند.</p> <p>از زمانی که وزارت خارجه و سیا شروع به گزارش‌گیری درباره آسیب‌پذیری شاه کردند، برژینسکی از عمل بر اساس این اطلاعات خودداری کرد و همچنان معتقد بود که حکومت شاه باثبات خواهد بود (جرویس، ۱۴۰۱).</p>	۱
انتشار گزینشی اطلاعات (منفعت‌جویانه)	<p>سیک معتقد است که ویلیام سالیوان، سفیر ایالات متحده در ایران، گزارش‌های عمدتاً ملایمی به واشنگتن ارسال می‌کرد و تا دو ماه قبل از انقلاب، هیچ نگرانی درباره آسیب‌پذیری شاه مطرح نکرد. سالیوان به انگیزه‌های شخصی هدایت می‌شد، زیرا او به تجربه می‌دانست که در وضعیت بحران، واشنگتن کنترل اوضاع را به دست می‌گیرد و لذا قدرت سفیر محدود می‌شود. سالیوان تقریباً به‌طور روزانه با شاه ملاقات می‌کرد و این امر او را به منبعی ارزشمند؛ اما در نهایت گمراه‌کننده، از HUMINT تبدیل کرد (سیک، ۱۳۸۴).</p>	۲
هشدار دهی غیر مؤثر	<p>نباید این‌طور تصور شود که تا قبل از ماه سپتامبر [شهریور]، اوضاع داخلی ایران موضوع نگرانی روزمره رئیس‌جمهور یا من بوده است. چرا که تحلیل‌های سفیر آمریکا در تهران، کارشناسان وزارت امور خارجه، سازمان سیا و سایر نمایندگی‌ها و کشورهای خارجی به ما اطمینان می‌دادند که شاه هر چند ممکن است به سازش‌هایی سیاسی با مخالفان تن بدهد که از قدرتش بکاهد، با خطر جدی مواجه نیست (ونس، ۱۳۹۵، ص. ۵۰).</p>	۳
ضعف در مدیریت چرخه خبر	<p>«از مجموعه گزارش‌های ارسال‌شده از سفارت آمریکا در تهران طی سال ۵۶ - ۵۷ و در خلال اعتراض‌های مردمی، فقط و فقط یک گزارش آن هم در تابستان ۱۳۵۷ «از مخالفان شاه و انگیزه‌های آنان» سخن گفته بود و آن گزارش هم طی یک اتفاق هیچ‌گاه به کاخ سفید نرسید» (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۹).</p>	۴

مجموعاً مؤلفه‌های مسئله‌ساز در ذیل بعد مذکور در قالب زیر بازشناسی می‌شوند:



نتیجه‌گیری

پنجره دید تحلیلگر، همان نظریات علمی است که خود منبعث و برساختی از تجارب انسانی و اجتماعی‌اند. لذا تحلیلگران که در جنگل نظریات اجتماعی مفتون‌اند و نهایتاً رسالت کالبدشناسی را برای خود متصورند، امکان رؤیت روح انقلاب پست‌مدرن اسلامی ایران را با عینکی برآمده از جهان بی‌روح مدرن نداشتند. در نمودار زیر ناکامی سازمان سیا در برآورد انقلاب اسلامی ایران، در فرایند چرخه اطلاعات تصویر شده است:



هرچند ایستگاه جمع‌آوری ایالات متحده آمریکا در ایران، نظاره‌گر تحولات میدانی در ایران بوده است؛ ولی به جهت عدم تنوع روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در خصوص متعرضین و اتکای صرف به روش‌های جمع‌آوری رسمی (ارتباط با ساواک و حکومت) و همچنین عدم نفوذ در میان جریان‌های اسلام‌گرا نتوانسته است به صورت دقیق ماهیت اعتراض‌های ایران را گزارش و هشدارهای لازم را تولید کند. علاوه بر چالش‌های هدایت و جمع‌آوری در سیا، مکانیسم تحلیل اطلاعات نیز با چالش مواجه بوده است. خطای ادراکی در رتبه‌بندی تهدیدات، عدم توجه به زمینه‌ها و نگاه تاریخی به جوامع، پیش‌فرض‌های جهت‌دار و ... مانع از این شده است تا سیا اهمیت و فوریت انقلاب ایران را درک کند.

همچنین در مرحله انتشار مشکلاتی نظیر، انتشار سوگیرانه اطلاعات و از همه مهم‌تر نادیده انگاری مقامات سیاسی ایالات متحده به هشدارهای اولیه باعث غافلگیری آنان و ناتوانی در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران شده است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- بیل، جیمز (۱۳۷۱). عقاب و شیر: تراژدی روابط ایران و آمریکا. ترجمه مهوش غلامی، تهران: نشر کویه.
- پرانکان، هانک (۱۳۹۶). اصول و مبانی ضداطلاعات. ترجمه مهدی پیروز و یوسف رحمانی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- ترنر، استانسفیلد (۱۳۸۸). پیش از خواندن بسوزانید. تهران: نشر اطلاعات.
- جرویس، رابرت (۱۴۰۱). شکست اطلاعاتی: درس‌هایی از انقلاب ایران و عراق. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۰). هشداردهی کارکرد تحلیل اطلاعاتی در پیشگیری از غافلگیری. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۵۳ (۱۴)، ۱۲۶-۱۰۳. doi: 10.1001.1.17350727.1390.14.53.5.1
- خرازی، مهدی و سپهری، محمود (۱۳۹۶). بررسی اطلاعاتی: رهیافت‌ها و تکنیک‌ها. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا
<https://www.cia.gov/library/publications/additional-publications/the-word-of-a-nation/work-of-cia.html>
- سیک، گری (۱۳۸۴). هر چیز فرو می‌ریزد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سولیوان، ویلیام (۱۳۹۳). مأموریت در ایران: خاطرات سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شفیع، اردشیر (۱۳۹۵). آینده پژوهی ابزاری کارآمد در جهت جلوگیری از غافلگیری. مجموعه مقالات مدیریت راهبردی، تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- شولسکی، آبرام (۱۳۹۴). نبرد بی‌صدا. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
- صالحی، محمود (۱۳۹۵). مدیریت اطلاعاتی منازعات و بحران‌های سیاسی - اجتماعی. تهران: پژوهشکده اطلاعات، دانشکده اطلاعات.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۳). معمای پیش‌بینی انقلاب‌ها. تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- عابدی جعفری، عابد و امیری، مجتبی (۱۳۹۸). فرا ترکیب، روشی برای سنتز مطالعات کیفی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۵ (۹۹)، ۷۳-۸۷. doi: 10.30471/mssh.2019.1629

- علیخانی، علی (۱۳۹۴). *آرا و نظریه‌ها در اطلاعات*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فاضل، سید طاهر و مولایی، محمدرضا (۱۳۹۱). *آینده پژوهی*. تهران: پژوهشکده اطلاعات.
- فیتین، مارک (۱۳۹۳). *اصول و مبانی چرخه اطلاعات*. ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
- کارتر، جیمی (۱۳۹۰). *ایران در خطرات جیمی کارتر*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محبوبی، محمد (۱۴۰۳). *ایستگاه خیابان روزولت*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- معاونت پژوهش و تولید علم (گردآوری و تدوین) (۱۳۹۵). *اطلاعات و غافلگیری*. تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- نور محمدی، مهدی (۱۳۹۱). *سازمان‌های اطلاعاتی و حوزه‌های تأثیر ملی*. تهران: پژوهشکده اطلاعات.
- واینر، تیم (۱۳۸۶). *سیا و انقلاب ایران*. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۲۴۴-۲۴۳، ۱۰۱-۹۴. <https://ensani.ir/fa/article>
- ونس، سایروس (۱۳۹۱). *انتخاب دشوار: سال‌های بحرانی سیاست خارجی آمریکا*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هویدا، فریدون (۱۳۷۴). *سقوط شاه*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- Bergdahl, E. (2019). Is meta-synthesis turning rich descriptions in to thin reductions? a criticism of meta-aggregation as a form of qualitative synthesis. *Nursing Inquiry*, 1-8. doi: 10.1111/nin.12273
- Connelly, M., Hicks, R. & Jervis, R. (2021). New evidence and new methods for analyzing the Iranian revolution as an intelligence failure. *Intelligence and National Security*, Volume 36, 2021 - Issue 6. <https://doi.org/10.1080/02684527.2021.1946959>
- Dahl, E.J. (2013). *Intelligence and Surprise Attack, Failure and Success from Pearl Harbor to 9/11 and Beyond*. (pp. 7), Georgetown University Press. DOI:10.1353/book26551

- Daugherty, W.J. (2001). Behind the Intelligence Failure in Iran. *International Journal of Intelligence and counterintelligence*, Volume 14, 2001- Issue 4. <https://doi.org/10.1080/08850600152617119>
- Davies, P. H.J. & Kristian, G. (2011). *The Intelligence Cycle is Dead, Long Live the Intelligence Cycle: Rethinking Intelligence Fundamentals for a New Intelligence Doctrine*. London, Brunel University press.
- Joseph, U. B. (2013). Forecasting a Hurricane: Israeli and American Estimations of the Khomeini Revolution. *Journal of Strategic Studies*, Volume 36, 2013 - Issue 5. <https://doi.org/10.1080/01402390.2012.742009>
- Herman, M. (1996). *Intelligence Power in Peace and War*. Cambridge University Press DOI:<https://doi.org/10.1017/CBO9780511521737>
- Keddi, N. (1995). Can Revolutions be Predicted; Can their Causes be Understood? In: *Debating Revolutions*. (N. Keddi, Ed.) New York University Press. https://doi.org/10.1057/9780230389649_2
- Kent, S. (1949). *Strategic Intelligence for US World Policy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Michael, D. (1997). National intelligence and the Iranian revolution. *Intelligence and National Security*. Volume 12, 1997. <https://doi.org/10.1080/02684529708432403>
- Shirfman, P. (1996). *Intelligence Analysis in an age of Electronic Dissemination*. Frank Kass.
- Skocpol, T. (1986). *Analyzing Causal Configurations in History: A Rejoinder to Nicols*. Comparative Social Research.
- Tarapore, A. (2022). The view from somewhere: lessons from the intelligence failure in Iran. *Intelligence and National Security*. Volume 38, 2023 - Issue 1 Pages 16-37 | Published online: 19 Jul 2022. <https://doi.org/10.1080/02684527.2022.2102327>
- Taylan, D. (2012). Rethinking the American Era: A Historical Perspective of Iranian Islamic Revolution and the U.S. *Intelligence Community (IC)*, Cumhuriyet Tarihi Araştırmaları Dergisi Yıl 8 Sayı 15 (Bahar 2012)

- Treverton, G. F., & Agrell, w. (2015). *national intelligence and science*.
new york: oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199360864.002.0003>

